

دانش آموزان را بمباران اطلاعاتی می کنیم!

پای صحبت دکتر صیاد گلشن
سرگروه علوم اجتماعی شهرستان خوی

نصرالله دادار

اشاره

دکتر صیاد گلشن، دبیر علوم اجتماعی شهرستان خوی، ۱۰ سال متوالی سرگروه این درس بوده است. او دارای ۳۰ سال سابقه کار در آموزش و پرورش است. در سال ۱۳۴۲ در شهرستان مرند متولد شده، اما همه تحصیلات ابتدایی و متوسطه وی در خوی بوده است. دارای مدرک کارشناسی پژوهشگری اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی از دانشگاه تهران و دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران است.

وی علاوه بر تدریس علوم اجتماعی در دبیرستان‌های خوی، در دانشگاه فرهنگیان و مراکز آموزش عالی نیز علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، آمار و روش تحقیق تدریس می‌کند.

آنچه در پی می‌آید حاصل گپ و گفتی است که با ایشان انجام داده‌ایم.

به نظر شما، آموزش علوم اجتماعی به دانش‌آموزان چه ضرورتی دارد؟ آیا این آموزش‌ها فقط برای رشته‌های علوم انسانی ضرورت دارد یا برای دانش‌آموزان سایر رشته‌ها نیز ضروری است؟

○ آموزش علوم اجتماعی یک ضرورت اساسی برای دانش‌آموزان است. وقتی می‌خواهیم آموزش و پرورش را به لحاظ فلسفی یا به لحاظ تربیتی بررسی کنیم، از مهم‌ترین ابعادش، تربیت اجتماعی است.



جامعه بیشتر از آنکه به پزشک، مهندس، حقوق دان و... نیاز داشته باشد، به انسان‌هایی نیاز دارد که انسانیت را بفهمند. به همین دلیل، آموزش علوم اجتماعی برای همهٔ آحاد بشر در همهٔ پایه‌ها و همهٔ رشته‌ها ضروری است.

سؤال می‌خواهند بگویند که این مطالب به درد ما نمی‌خورد.

دو واحد درس جامعه‌شناسی عمومی در دانشگاه، در رشته‌ای مثل علوم قرآنی که در یک نیم‌سال ۱۳ یا ۱۴ جلسه دارد، موجب می‌شود که نیمی از دانشجویان این کلاس به درس جامعه‌شناسی علاقه‌مند شوند به طوری که در مسیر ادامهٔ تحصیل در دورهٔ کارشناسی ارشد، در رشتهٔ جامعه‌شناسی درس می‌خوانند. من الان سه همکار دارم که سال اول خدمتشان است. دو نفر از آن‌ها کسانی هستند که ابتدا در رشتهٔ علوم قرآنی درس خوانده‌اند و در دورهٔ کارشناسی ارشد در رشتهٔ جامعه‌شناسی به تحصیل ادامه داده‌اند. توجه داشته باشید که دو واحد درسی چنین جذبه‌ای را ایجاد کرده است. ما سه سال با دانش‌آموزان کار می‌کنیم، اما محتوا نمی‌تواند آن‌ها را جذب کند.

چه باید کرد؟

○ نکتهٔ اول این است که باید مخاطب‌شناسی کنیم. یعنی ببینیم که دانش‌آموز ما برای تربیت اجتماعی مورد نظر ما، دنبال چیست؟ یک اصل تربیتی است که می‌گوید: «انسان به هر چیزی که احساس نیاز کند، برای آموختنش تلاش می‌کند.» ما گاه غافلیم که از دانش‌آموز دبیرستانی در کلاس یازدهم یا دوازدهم سؤال کنیم که کدام مباحث اجتماعی را بیشتر نیاز دارد.

از کتاب مثال بزنم. ما در کتاب قبلی جامعه‌شناسی یک، مربوط به پایهٔ دوم رشتهٔ علوم انسانی که تا سال ۱۳۸۹ تدریس می‌شد، درسی دربارهٔ انتخاب همسر داشتیم که دربارهٔ ملاک‌ها، روش‌ها و... انتخاب همسر بحث کرده بود. بچه‌ها به قدری به این بحث‌ها علاقه‌مند بودند که

مهارت‌های اجتماعی، مثل مهارت برقراری ارتباط با دیگران، مشارکت اجتماعی، مشارکت مدنی و مشارکت سیاسی که امروز در جامعهٔ ما خیلی ضروری است و باید آن‌ها را به بچه‌ها آموخت، تأکید شده است. اما در محتواهایی که در این حوزه‌ها برای دورهٔ متوسطهٔ دوم داریم، از این نوع مهارت‌ها کلاً غافلیم. یعنی شما هیچ کتابی را نمی‌یابید که به این مسائل پرداخته باشد. البته در دورهٔ متوسطهٔ اول به این مهارت‌ها خوب توجه شده است؛ مانند روح تعاون، روح مشارکت و زندگی خانوادگی که در این زمینه‌ها بحث‌های خوبی شده است. اما در دورهٔ متوسطهٔ دوم ما به یک سلسله مفاهیم ذهنی و انتزاعی روی آورده‌ایم؛ مثل جهان اجتماعی.

مفهومی که اگر به جای آن مفهوم جامعه را می‌گذاشتیم، همهٔ بچه‌ها می‌فهمیدند. ما در کلاس درس یک سال دربارهٔ جهان اجتماعی، انواع جهان اجتماعی، لایه‌های آن‌ها و تحولات آن‌ها حرف می‌زنیم و در آخر دانش‌آموزان خوب کلاس ما هم متوجه نمی‌شوند که این جهان اجتماعی چیست. در حالی که همهٔ محتوا مربوط به انواع تحولات جوامع است و این بحث‌ها، بحث‌هایی عینی هستند و بچه‌ها آن‌ها را خوب می‌فهمند. خروجی این بحث چنین می‌شود که قریب به اتفاق دانش‌آموزان معتقدند، زبان من معلم را بهتر از زبان کتاب می‌فهمند. دانش‌آموزان به من می‌گویند اجازه بدهید این مطالبی که شما به زبان خودتان می‌گویید، ما بنویسیم و نوشته‌ها را بخوانیم، ولی کتاب درسی را نخوانیم.

عذاب‌آورتر سؤال دانش‌آموزان است که پس از سه سال خواندن جامعه‌شناسی ۱ و ۲ و نظام جهانی که متعلق به پیش‌دانشگاهی است، می‌پرسند: آقا چرا جامعه‌شناسی می‌خوانیم؟ آن‌ها با این

به اعتقاد من، هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند از آموزش اجتماعی بی‌نیاز باشد. واقعیت این است که اگر بخواهیم انسانیت انسان را در نظام آموزش و پرورش خودمان تحقق بخشیم، چاره‌ای جز توجه به ابعاد اجتماعی وجودی او نیست. چرا که اگر این تربیت اجتماعی نباشد، شکل‌گیری هیچ یک از آن ابعاد وجودی تحقق پیدا نمی‌کند؛ مثل شخصیت، اخلاق و هویت که بدون توجه به مسائل اجتماعی به‌نحو مطلوب شکل نمی‌گیرند.

بنده معتقدم، تربیت از فطرت، استعداد، طبیعت و آنچه انسان همراه خود دارد، مهم‌تر است و اگر تربیت درستی صورت نگیرد، هیچ‌کدام محقق نمی‌شود. به همین دلیل، آموزش علوم اجتماعی برای همهٔ آحاد بشر برای همهٔ پایه‌ها و برای همهٔ رشته‌ها ضروری است. اگر انسان پزشک، مهندس یا حقوق‌دان شود، اما آدم نشود، فایده‌ای ندارد. جامعه بیشتر از آنکه به پزشک، مهندس، حقوق‌دان و... نیاز داشته باشد، به انسان‌هایی نیاز دارد که انسانیت را بفهمند.

چه نوع آموزش‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان ضرورت دارد؟ آیا کتاب‌های فعلی مطالعات اجتماعی به این آموزش‌ها می‌پردازند؟

○ این مهم است که ما در علوم اجتماعی، چه چیزهایی باید به بچه‌ها آموزش دهیم. در اسناد بالادستی بر بحث‌هایی مثل هویت در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و ملی، آموزش شهروندی در ابعاد گوناگونش، و همچنین بر آموزش

عذاب‌آورتر از هر چیز، سؤال دانش‌آموزان است که پس از سه سال خواندن جامعه‌شناسی ۱ و ۲ و نظام جهانی که در پیش‌دانشگاهی آمده است، می‌پرسند: آقا چرا جامعه‌شناسی می‌خوانیم؟

درس با تصویر شروع می‌شود و بحث ورودی نقش مقدمه را دارد که معمولاً با مثال همراه است. غالباً نیز چند فعالیت در آن گنجانده شده است. اما برای آنکه این ساختار به خوبی پیش برود، لازم است مهارت‌های آموزشی مورد نیاز این محتوا مورد توجه قرار بگیرد. مثلاً گفته است تحقیق کنید، در صورتی که ما در هیچ کتابی تحقیق را به بچه‌ها یاد نداده‌ایم و لازم است دانش‌آموز در سطح خودش با تحقیقات آشنا باشد تا بتواند این فعالیت را پوشش دهد.

یا در پایان هر درس صفحه سفیدی وجود دارد که دانش‌آموز باید قسمت‌های «مفاهیم کلیدی»، «خلاصه کنید» و «آنچه آموختید» را در آن بنویسد. در حالی که نوشتن این سه نکته نیازمند یادگیری سه مهارت متفاوت است. برخی همکاران ما هم در این بخش مشکل دارند، چه برسد به دانش‌آموز. یعنی دبیر ما خودش خلاصه‌برداری بلد نیست.

معلم ما باید مهارت‌های یادگیری را به بچه‌ها یاد بدهد. یکی از نقص‌های نظام تربیت معلم ما همین است که معلم ما مهارت‌های یادگیری را بلد نیست و فقط فکر می‌کند مطلب و محتوا را باید در کلاس گفت، بدون اینکه توجه کند دانش‌آموز چگونه باید این کار را یاد بگیرد. من وقتی مدیر مدرسه بوم، مدرسه موفق داشتم. یکی از دلایل این بود که همکاران را وادار می‌کردم روش‌های یادگیری درشان را به بچه‌ها یاد بدهند. آنجا بود که فهمیدم معلمان چقدر در روش‌های یادگیری مشکل دارند و شورای معلمان مدرسه کارگاه روش‌های یادگیری شد. کمتر مدرسه‌ای این کار را می‌کند. در

درسی را که باید یک جلسه می‌گفتم، سه یا چهار جلسه برایش وقت می‌گذاشتم. یا در کتاب مطالعات اجتماعی قبلی، بحثی با عنوان آسیب‌های گروهی داشتیم که بچه‌ها به عین‌ه با این آسیب‌ها درگیر بودند. وقتی این بحث‌ها مطرح می‌شد، به قدری برایشان جذاب بود که مجبور بودیم چند جلسه بیشتر با آن‌ها کار کنیم. یا بحثی درباره ناسازگاری والدین و فرزندان داشتیم که هر چند دو صفحه بیشتر نبود، ولی هم برای بچه‌ها و هم برای اولیا جذاب و اثرگذار بود. تا آنجا که برخی اولیا به من زنگ می‌زدند و می‌گفتند: «آقای گلشنی کاش از اول سال این مباحث را برای بچه‌ها می‌گفتید.» و من به آن‌ها می‌گفتم که این بخشی از کتاب درسی است که تازه به آن رسیده‌ایم.

ما امسال کتاب سواد رسانه‌ای را داشتیم. بحثی بسیار ضروری بود که گرچه در اجرا کار را خراب کردیم، اما باز خیلی مفید بود. ابتدا گفته بودند دبیران علوم اجتماعی باید کتاب سواد رسانه‌ای را تدریس کنند. اما در عمل هر معلمی که کسر موظفی داشت، این کتاب را تدریس می‌کرد و با همه کاستی‌ها در امر تدریس و انتقاداتی که به محتوای کتاب وجود داشت، جذاب‌ترین درس بچه‌ها بود. چون موضوع روز بود و همه با آن درگیر هستند. در این باره بود که رسانه‌ها و فضای مجازی با زندگی ما چه کار می‌کنند و حتی اولیا هم به این بحث احساس نیاز می‌کنند. برخی از اولیا این کتاب را قبل از بچه‌هایشان می‌خواندند. اینکه می‌گویم نیاز مخاطب، یعنی همین. ما باید بدانیم که نیاز مخاطبان چیست و علوم اجتماعی بیاید به نیازهای مخاطبان خود پاسخ دهد. نکته دوم که درباره کتاب‌های درسی باید بگویم، این است که کتاب‌های ما به لحاظ ساختاری خیلی خوب شده‌اند.

مجموعه

ما افراد

توانمندی بودند

که از تجارب آن‌ها استفاده

می‌کردیم. از همکاران گروه روان‌شناسی کمک می‌گرفتیم و از استادان دانشگاه دعوت می‌کردیم که به مدرسه بیایند و درباره روش‌های یادگیری در درس‌هایی مثل ریاضی یا فیزیک برای همکاران ما صحبت کنند.

این خیلی مهم است که دانش‌آموز

کتاب‌های درسی جدید به لحاظ ساختاری خوب شده‌اند، اما هنوز مهارت‌های آموزشی مورد نیاز این محتوا را کم داریم



روش یادگیری هر درسی را بداند. در این صورت دانش‌آموز به سطح خودسنجی می‌رسد و می‌تواند اشکالات یادگیری خود را رفع کند. من به‌عنوان سرگروه علوم اجتماعی می‌گویم که بخش قابل توجهی از معلمان ما به این فعالیت‌ها توجه نمی‌کنند. هر وقت که بازدید می‌رویم، می‌بینیم که همین صفحه خالی آخر که می‌باید با مفاهیم کلیدی پر شود، خالی می‌ماند. اما در کلاس من همه بچه‌ها این‌ها را کار کرده‌اند. متأسفانه آموزش علوم اجتماعی در خیلی از کلاس‌های ما به گفتن چند سؤال و مشخص کردن پاسخ آن‌ها از طرف معلم محدود شده است. اگر دفتر کلاس را باز می‌کنید، می‌بینید نمره‌های دانش‌آموزان همه ۱۹ یا ۲۰ است، اما آن‌ها ساده‌ترین مفاهیم را بلد نیستند. در نتیجه ما باید هم به معلمان و هم به دانش‌آموزان این مهارت‌ها را بیاموزیم تا آموزش علوم اجتماعی از

کیفیت بیشتری برخوردار شود.

ضرورت نزدیک کردن سواد معلمان به سواد مورد نیاز آموزش علوم اجتماعی

نکته دیگری که ضروری می‌بینم بر آن تأکید کنم، این است که تلاش کنیم، سواد معلمان را به سواد مورد نیاز آموزشی کتاب‌های جامعه‌شناسی نزدیک کنیم. بین این دو خیلی فاصله هست و دوره‌های ضمن خدمت هم پاسخگو نیستند. یعنی هم زمان آن‌ها و هم کیفیت دوره‌ها معمولاً مناسب نیست. اکثر همکاران برای اخذ گواهی و نه برای یادگیری در این دوره‌ها شرکت می‌کنند. چون انگیزه یادگیری وجود ندارد.

امروزه در دنیا برای توانمندسازی حرفه‌ای معلمان، به یادگیری معلمان از یکدیگر تأکید می‌شود. چون نه کلاس می‌خواهد و نه زمان. ایجاد بستری برای این کار می‌تواند راهگشا باشد. فضای مجازی یکی از بسترهای مناسب برای این کار است.

ما امسال در تلگرام چهار کانال داشتیم: یک کانال کشوری برای جامعه‌شناسی (۱)، کانال دیگری برای دبیران علوم اجتماعی استان آذربایجان غربی، دو کانال هم برای سرگروه‌های درسی. خیلی از سؤال‌های همکاران در این کانال‌ها مطرح و پاسخ داده می‌شوند و همکاران از این کانال‌ها خیلی استفاده می‌کنند. اگر چنین امکانی هم توسط مؤلفان کتاب‌های درسی فراهم شود، یعنی مدیریتش را آن‌ها داشته باشند، همه بحث‌ها در راستای آموزش علوم اجتماعی هدایت می‌شود. ولی وقتی مؤلفان نیستند، گاه از این هدف‌ها دور می‌شویم. به نظر من، مؤلفان کتاب‌های درسی نباید از نظرات معلمان غفلت کنند. در اردیبهشت‌ماه امسال نشست

سرگروه‌های علوم اجتماعی تشکیل شد. در بیانیه سرگروه‌ها آمده بود که همایش‌های کشوری برای تأمین مدرس برگزار نشوند. آن‌ها می‌گفتند: ما می‌آییم آنجا، ولی کسی حرف‌های ما را گوش نمی‌دهد. و آن‌ها حرف‌های خودشان را می‌زنند. مؤلفان و معلمان باید به هم نزدیک شوند تا هدف‌های آموزشی هر گروه محقق شود و اگر هر گروه حرف‌های خودشان را بزنند، آن حرف دیگر محقق نمی‌شود.

شما به‌عنوان معلم، چه تلاش یا روشی را برای بسط و جا انداختن مفاهیم ملموس و کاربردی کردن موضوعات و مفاهیم علوم اجتماعی در پیش گرفته‌اید؟

○ به نظر من، روش‌های تدریس در دوره آموزش متوسطه دوم تعطیل است. ما خیلی شعارها داده‌ایم و دوره برگزار کرده‌ایم، اما در عمل کار خاصی صورت نگرفته است. من در تدریس‌هایم، بسته به نوع مخاطبم، فضای کلاس، تعداد دانش‌آموزان و... سعی کرده‌ام از روش‌های متفاوت استفاده کنم. روش‌های من معمولاً تلفیق یا ترکیبی از روش‌های سنتی و روش‌های نوین بوده است. همیشه سعی کرده‌ام دانش‌آموز در فرایند یاددهی - یادگیری درگیر شود؛ چه با طرح یک سؤال ساده و اخذ پاسخ از شاگردان و چه به‌صورت کارگروهی.

به مدل‌سازی خیلی معتمد

من در آموزش علوم اجتماعی و مفاهیم آن، به مدل‌سازی خیلی معتمد. هر درسی را که به‌صورت مدل روی تابلو آورده‌ام، بچه‌ها خوب یاد گرفته‌اند. چون مفاهیم ذهنی را عینیت می‌بخشد. متأسفانه کتاب‌های ما براساس روش‌های تدریس طراحی نشده‌اند. من معلمی

حجم محتوای آموزشی مدارس ما در یک سال تحصیلی، معادل حجم محتوای آموزشی سه سال مدارس سایر کشورهاست. ما دانش آموزان را بمباران اطلاعاتی می‌کنیم

نظرتان دربارهٔ مجلهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی چیست؟

○ مجلهٔ رشد علوم اجتماعی در دوره‌های خیلی خوب بود. در نیمهٔ دوم دههٔ ۱۳۸۰، سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷، مسئولان مجلهٔ اعلام می‌کردند که شمارهٔ بعدی مجلهٔ مثلاً دربارهٔ «هویت» است که با محتوای کتاب درسی مرتبط بود و مطالب مرتبط با موضوع «هویت» برای مجله ارسال می‌شد. به نظر من، ۴۵۰۰ نسخه شمارگان خوبی برای این مجله است. اگر این تعداد مخاطب، فقط یک مقاله از این مجله را بخوانند، به شرط اینکه آن مقاله به ارتقای دانش همکاران کمک کند، کار مفیدی است. شمارهٔ گذشته مجله، در ارتباط با کتاب‌های متوسطهٔ دورهٔ اول، بحث خوبی داشت. کافی است که محتوای مجله نظر همکاران را به خودش جلب کند. من غالباً می‌دیدم که این مجله دست همکاران است. مجله در رابطه با هدف‌های آموزش علوم اجتماعی بود و یکی از مؤلفان کتاب درسی که خانم دکتری است، آن را مطرح کرده بود. بحث خیلی خوبی بود که همکاران از آن خیلی استفاده کردند. معتقدم که مبانی نظری و کارهای تجربی مرتبط با محتوای آموزشی به مطالعات اجتماعی و جامعه‌شناسی به کیفیت مجله خیلی کمک می‌کند. اگر در این دو مورد خوب کار شود، همکاران از مجله بیشتر استقبال می‌کنند. مجله یک مشکل هم در حوزهٔ اطلاع‌رسانی دارد. دربارهٔ مجلات رشد اطلاع‌رسانی چندانی نمی‌شود. در صورتی که اگر قدری بهتر و به موقع در مورد آن‌ها اطلاع‌رسانی شود، همهٔ همکاران آن‌ها را می‌خواهند. من در دانشگاه فرهنگیان، برای تدریس از محتوای مجلات رشد استفاده می‌کنم. دانشجو-معلم نمی‌داند که این مجلات

دادن یک تصویر لازم باشد و معلم یک تصویر ارائه کند. اما دانش‌آموزان به جای اینکه پیام تصویر را بگیرند، در خود تصویر می‌مانند و پیام و محتوا را نمی‌گیرند.

ارزشیابی دانش‌آموزان از کتاب‌های جامعه‌شناسی چگونه است و کدام بخش‌ها را مشکل و غیرقابل فهم و کدام بخش‌ها را مناسب می‌دانند؟

○ دانش‌آموزان دورهٔ متوسطهٔ دوم نگاه مثبتی نسبت به کتاب‌های جامعه‌شناسی ندارند؛ چه دختر و چه پسر. چون واقعاً محتوای کتاب‌ها سنگین است و بار فلسفی دارد. در صورتی که می‌توان مباحث جامعه‌شناسی را خیلی شیرین‌تر مطرح کرد.

دفتر تألیف کتب درسی ابتدایی و متوسطه نظری چقدر با شما دربارهٔ کتاب‌های درسی صحبت کرده است؟

○ نگاه مدیر گروه علوم اجتماعی نسبت به نظرات معلمان مثبت است و تأکیدش بر این است که همکاران نظرات خود را بدهند و در مورد کتاب‌های دهم و یازدهم همکاری کنند. من خودم سه مطلب برای ایشان در رابطه با نقد و بررسی کتاب دهم و پیشنهادهای برای کتاب یازدهم فرستادم، ولی بازخوردی نگرفته‌ام.

نظرتان دربارهٔ ساعات تدریس کتاب‌های جامعه‌شناسی چیست؟

○ الان نسبت ساعات تدریس این درس بهتر شده است. قبلاً وقت کم می‌آوردیم، اما امسال مشکلی از نظر وقت نداشتیم. در برنامه‌ریزی جدید یک ساعت به درس جامعه‌شناسی اضافه شده است که می‌تواند به کیفیت آموزش کمک کند.

هستم که همیشه از طرح درس استفاده می‌کنم. این به آموزش مطالب و تدریس خیلی کمک می‌کند. در به کارگیری نرم‌افزارها و به تعبیری آموزش هوشمند، ما حتی در برخوردترین مدارسمان با مشکل مواجه هستیم. مشکل اول از دیدگاه جامعه‌شناسی، تأخر فرهنگی است. فناوری آمده، ولی ما طرز استفاده از آن را بلد نیستیم. معلمان ما رغبتی به استفاده از این امکانات ندارند و دلیل اصلی‌اش نداشتن توانایی در تولید محتوای مورد نیاز فناوری است. مشکل دوم این است که در بسیاری از موارد، دانش‌آموزان کلاس‌هایی را که با استفاده از امکانات الکترونیکی استفاده می‌کنند، جدی نمی‌گیرند. مثلاً برای اینکه مفاهیم اجتماعی برای دانش‌آموزان جا بیفتد، ممکن است نشان



وجود دارند. بنابراین اگر برای آن‌ها درست اطلاع‌رسانی شود، هم شمارگان مجلات بالا می‌رود و هم همکاری همکاران با مجلات رشد گسترش پیدا می‌کند.

نوزدهم تیرماه، معاون مدرسه - چون مرا می‌شناسد و می‌داند که مجله را می‌خواهم - تماس گرفت که: نامه درخواست مجله رشد علوم اجتماعی آمده است. اسم شما را برای اشتراک مجله بنویسم؟ یعنی اگر من الان ثبت‌نام نکنم، سال بعد مجله را به من نمی‌دهند.

در پایان گفت‌وگو دوست دارید به چه مسائلی دیگری اشاره کنید؟

○ من دو سفر خارج از کشور داشتم که هر دو خیلی مهم بودند. در اولین سفر عضو گروه اعزامی وزارت آموزش و پرورش به آسیای جنوب شرقی در رابطه با پروژه آموزشی جمعیت در ایران بودم که با همکاری «صندوق جمعیت هلال احمر» از سال ۱۳۹۶ تا ۲۰۰۰ اجرایی شد. در سفر دوم که دو سال طول کشید، در کشور امارات به عنوان معاون و مسئول آموزش دوره متوسطه مجتمع آموزشی شارجه خدمت کردم. این سفر تجربه‌های خوبی در خصوص مدارس آنجا برای من داشت. آنجا بود که متوجه شدم، نظام آموزشی ما چقدر با نظام آموزشی کشورهای دیگر متفاوت است.

در شارجه دانش‌آموزان ایرانی که از سایر مدارس به مدرسه ما منتقل می‌شدند، دوام نمی‌آوردند. اما دانش‌آموزانی که از مدارس ما به مدارس دیگر منتقل می‌شدند، از

آن مدارس خیلی راضی بودند. چرا؟ چون در مدارس ما واقعاً به دانش‌آموز فشار می‌آید. هم به لحاظ محتوای آموزشی و هم به لحاظ فضای عاطفی - روانی که در مدارس ما حاکم است. حجم محتوای آموزشی دانش‌آموزان مدارس ما در یک سال تحصیلی، معادل حجم محتوای آموزشی سه سال دانش‌آموزان مدارس سایر کشورهاست. ما بچه‌ها را بمباران اطلاعاتی می‌کنیم. حجم مطالب آموزشی ما خیلی زیاد است. از نظر عاطفی و روانی هم بر مدارس ما فضایی خشک حاکم است، در صورتی که در مدارس سایر کشورها، ارتباط معلمان با دانش‌آموزان خیلی گرم و صمیمی است.

آقای دکتر گلشن، از اینکه زحمت کشیدید و برای انجام این گفت‌وگو از خوی به ارومیه تشریف آوردید، بسیار سپاس‌گزاریم. موفق باشید.